

فارسی عمومی

درسنامه دانشگاهی

ویراست سوم

حبیب الله عباسی محمود فتوحی رودممعجنی



انتشارات سخن

فهرست

<p>۴۹ انوری ایبوردی. نامه اهل حراسان</p> <p>۵۲ حافانی شروانی ابوان مداین</p> <p>۵۴ محمدقی بهار دماوندیه</p> <p>۵۶ مهدی احوان ثالث کهن نوم و بر</p> <p>۵۹ عزل پارسی</p> <hr/> <p>۶۲ عزل پارسی را چگونه خوانم؟</p> <p>۶۳ شهید بلخی بحسین عزل پارسی</p> <p>۶۳ رودکی هر چه نادا نادا!</p> <p>۶۳ دقمی رُلُفکاک تو</p> <p>۶۴ سایبی عاشق مشوید</p> <p>۶۴ حسن عربوی. تویی ما چگونه‌ای؟</p> <p>۶۵ انوری ایبوردی. بس رود برمی</p> <p>۶۵ عطار نیشابوری. امشب سم‌هست</p> <p>۶۶ مولوی بلخی صورنگر نقاشم</p> <p>۶۶ مولوی بلخی من علام فمرم</p> <p>۶۷ مولوی بلخی شکر حدیدن</p> <p>۶۷ مولوی بلخی علام آفتاب</p> <p>۶۸ فخرالدین عراقی بحسین ناده</p> <p>۶۹ سعدی شیرازی. شب عاشقان بیدل</p> <p>۶۹ سعدی شیرازی. یاران به عیش نشستند</p> <p>۷۰ سعدی شیرازی صاحب روی نکو</p> <p>۷۰ حافظ شیرازی. انکار شراب</p> <p>۷۱ حافظ شیرازی. کی شعر تر انگیزد</p> <p>۷۱ حافظ شیرازی. شهره شهرم</p> <p>۷۲ محشم کاشانی عزل واسوچ</p> <p>۷۲ وحشی ناهقی ر هرکس که بریدیم، بریدیم</p> <p>۷۲ کلم کاشانی قربان آن ناگوش</p>	<p>۳ فهرست</p> <p>۹ دیباچه ویراست سوم</p> <p>۱۰ روش تدریس این درس‌نامه</p> <p>۱۲ طرح درس هفگی</p> <p>۱۳ ۱ ادبیات و دانش‌های ادبی</p> <hr/> <p>۱۳ ادبیات چیست؟</p> <hr/> <p>۱۴ ادبیات و زبان</p> <hr/> <p>۱۷ ارزش و کارکرد ادبیات</p> <hr/> <p>۱۹ دانش‌های ادبی</p> <p>۱۹ (۱) بلاغت</p> <p>۱۹ ۱-۱ علم معانی</p> <p>۲۰ ۱-۲ علم بیان</p> <p>۲۲ ۱-۳ علم بدیع</p> <p>۲۳ (۲) دانش عروض و قافیه</p> <p>۲۶ (۳) سبک‌شناسی</p> <p>۳۰ (۴) انواع ادبی</p> <p>۳۲ (۵) نقد ادبی</p> <hr/> <p>۳۵ ۲ شعر پارسی دری</p> <hr/> <p>۳۷ سبک‌های شعر پارسی</p> <hr/> <p>۳۹ قصیده پارسی</p> <hr/> <p>۴۱ دگرگویی در محوای قصیده</p> <p>۴۳ قصیده پارسی را چگونه خوانم؟</p> <p>۴۴ موج‌پهری دامغانی بهاریه</p> <p>۴۶ ناصرحسرو قبادانی پند حکیمان</p> <p>۴۷ سایبی عربوی. اعصار و اعدار</p>
---	--

۱۷۳	گریده نثر پارسی	۱۳۵	مهدی احوان ثالث. رستان	۱۰۱	رصدی آرتمانی ساقی نامه	۷۳	صائب سریری. کتاب آدمی
۱۷۳	محسبه های پارسی دری	۱۳۷	مهدی احوان ثالث. قاصدک	۱۰۲	خانلری. عقاب	۷۳	بیدل دهلوی. شوخی رنگ پریده
۱۷۴	مقدمه شاهنامه مشور سیاد کار شاهنامه	۱۳۸	مهدی احوان ثالث کتیبه	۱۰۵	قصر امین پور بی نامه	۷۴	فروغی سسطامی ماه علم رح ریای تو
۱۷۶	زوصة المحمبین سر مویسی در سده پنجم	۱۴۱	مهدی احوان ثالث عرل (۳)	۱۰۷	قطعه	۷۴	فرحی یردی. مقام آزادی
۱۷۶	ناریج بیهقی حش خانه هرات	۱۴۲	سهراب سپهری واحهای در لحظه	۱۰۸	رودکی وسوسه عاشقی	۷۵	شهریار ماهم آمد
۱۸۰	قابوس نامه امانت داری	۱۴۳	سهراب سپهری. سوره تماشا	۱۰۸	ابوالمرح سگری. عقای معرب	۷۵	انتهاج آثار و انتحام جهان
۱۸۰	قابوس نامه شکستن رمی سن فخر باشد	۱۴۵	فروع فرحراد. هدنه	۱۰۸	انوری. چنار و کدوین	۷۶	عماد حراسانی چو شت های دگر
۱۸۱	بورور نامه ناک، هدیه هما	۱۴۵	فروع فرحراد. پروار را به خاطر سپار	۱۰۸	ابن نمین سمر ار عدم تا عالم قدس	۷۶	سیمین بههانی دوباره می سارمت وطن!
۱۸۳	ساست نامه امیر اسیر	۱۴۶	فروع فرحراد. سلامی به آفتاب	۱۰۹	آگهی یردی. ده امر ناپسند	۷۷	شععی کدکنی نسم گرفت
۱۸۴	رونق المحالس دو چشم ریا در طنز	۱۴۶	شععی کدکنی هراه دوم آهوی کوهی	۱۰۹	فآئی شیرازی. گهت و گوی دو الکن	۷۷	محمدعلی بهیمی رمانه بی های وهوی
۱۸۵	نمهداب. کاشکی همه عاشق بودندی	۱۵۰	شععی کدکنی عرل برای گل آفتانگردان	۱۰۹	ایرج میرزا: حنگ معشوقه و مادر	۷۸	حسین مروی. رن صاعمه وار
۱۸۶	سَوَاتِحُ الْعُشَاقِ. این حال ار کجا؟	۱۵۱	شععی کدکنی سفر به حیر	۱۱۰	ایرج میرزا: حی اسناد	۷۸	سلمان هراتی معی دریا شدن
۱۸۶	تذکره الاولاء. قصه بردار رفن حلاج	۱۵۲	گلرحسار شاهنامه وطن است	۱۱۱	ایرج میرزا: چرا شدی شیر	۷۹	فصر امین پور بعض های کال
۱۸۸	تذکره الاولاء. مردی چسین و چسین	۱۵۳	شعر مشور (سپید)	۱۱۱	پروین اعتصامی سر و سگ	۷۹	قصر امین پور آروهای شعاری
۱۸۹	کَلَلَهُ وَ دَمَهُ رَاهِد وَ رَأَسُو	۱۵۴	احمد شاملو عرلی در توانسن	۱۱۲	محمدتقی بهار دحرک اعجمی	۸۰	ابیات یکه. ار سگ هدی
۱۹۱	اسرار التوحد. نحواب نا که به حواش ییی	۱۵۵	احمد شاملو شاننه	۱۱۲	سما بوشنج میرداماد	۸۱	مشوی
۱۹۲	اسرار الوحد. خودییبی حواحه حس	۱۵۶	موسوی گرمارودی. نحل ولایب	۱۱۳	رباعی	۸۲	شاهنامه گسو افکدن رودانه ار نام کاح
۱۹۴	اسرار التوحید. قماریار پاکنار	۱۶۰	فصر امین پور اشتقاق	۱۱۵	گاهشمار رباعی (رویدادها)	۸۴	شاهنامه حان چهارم. تنور یواری رسم
۱۹۴	اسرار التوحد. ما پشه هم نسسم	۱۶۱	۳ نثر پارسی دری	۱۱۷	گریده رباعیات	۸۶	شاهنامه سحی که ویران و آباد کرد
۱۹۴	اسرار التوحد. از راه افادن یا بر راه افادن	۱۶۱	نثر چیست؟	۱۲۱	دوبیتی، فهلویات و شروه	۸۹	للی و محون نظامی وفات محون
۱۹۵	مربیان نامه. رویاه و حروس	۱۶۱	روند دگرگویی نثر پارسی دری	۱۳۳	گریده دوبیتی	۹۱	اسرار نامه نمار نخواندن بر حاره فردوسی
۱۹۶	مفالات شمس محمروخوانی	۱۶۵	گونه های نثر پارسی دری	۱۲۵	شعر آزاد	۹۲	مصیبت نامه عطار دنوانه وارسته
۱۹۷	مفالات شمس چان نارین سسی	۱۶۵	(۱) نثر علمی	۱۲۵	شعر آزاد بمایی	۹۳	مشوی معوی. به عادت رفتن کر
۱۹۸	ناریج جهان گشا حروح نارایی	۱۶۵	(۲) نثر احلاقی و ساسی	۱۲۷	چگونه شعر آزاد را نخوانم؟	۹۴	مشوی معوی. حروفوشی صوفیان
۲۰۱	سه ماهه می ار کجا شعر ار کجا؟	۱۶۶	(۳) نثر دوانی و نامه نگاری	۱۲۹	سما بوشنج مهتاب	۹۶	بوستان سعدی. شمع و پروانه
۲۰۲	گلستان سعدی. سیرت پادشاه	۱۶۷	(۴) نثر تاریخی نا کیمیات ادبی	۱۳۰	سما بوشنج چشم در راهم	۹۷	بوستان سعدی. حکایت ابراهیم (ع)
۲۰۲	گلستان سعدی. جهان دیده دروعگو	۱۶۹	(۵) نثر داستانی و روایی	۱۳۰	سما بوشنج داروگ	۹۸	للی و مجنون حامی کاسه شکلی للی
۲۰۳	گلستان سعدی. ریا	۱۷۱	(۶) نثر عرفانی نا کصافات ادبی	۱۳۱	فریدون مشیری. کوچه	۱۰۰	سلمان و اقبال حامی: مشق نام للی
۲۰۳	گلستان سعدی. آزار حل	۱۷۲		۱۳۴	احمد شاملو کفر	۱۰۰	وحشی هاشمی: زیبای للی

۳۳۲	۶) روش ساختاربندی مقاله	۳۱۲	توصیف شخصیت	۲۵۵	رُمان فارسی	۲۰۴	گلستان سعدی. عبرت
۳۳۳	۷) اصراربخشی به مطالب مقاله	۳۱۲	توصیف مکان	۲۵۶	محمود دولت‌آبادی. حای حالی سلوچ	۲۰۴	گلستان سعدی. خُور استاد
۳۳۴	دستور خط فارسی فرهنگستان	۳۱۳	توصیف رمان	۳۶۱	شرفی حوشان. بی‌کتابی	۲۰۵	گلستان سعدی. فرید ناهموار
۳۳۴	قواعد کلی	۳۱۵	بوشتار روایی	۳۶۹	۵. مهارت در ریان و نگارش	۲۰۵	مناقب‌العارفین ناشی روی مولانا
۳۳۴	برخی ویژگی‌های خط فارسی	۳۱۵	سازمان‌دهی به داستان	۳۶۹	ریان چیست؟	۲۰۶	مُشآب. نامه‌ای از فائم مقام فراهانی
۳۳۵	املاهای بعضی از واژه‌ها	۳۱۵	چگونه داستان را نقل کنیم؟	۳۷۰	گونه ریائی و لهجه	۲۰۷	صور اسرافیل دروس اللاشیاء
۳۳۷	مجموعه ام، ای، اسب، ...	۳۱۶	چهار ویژگی یک داستان حداب	۳۷۱	ریان به چه کار می‌آید؟	۲۱۰	پله پله ما ملاقات حداب: کودکی مولانا
۳۳۸	صمایر ملکی و معمولی	۳۱۷	گفت‌وگو در داستان	۳۷۲	ریان، قدرت است	۲۱۳	ایران را از یاد سریم. ایران شگفت‌آور
۳۳۹	یای نکره و مصدری و بسی	۳۱۸	بوشتار توصیحی - تفسیری	۳۷۳	رمسه فرهنگی ریان	۲۱۵	کویر علی شریعی
۳۴۰	کسره اصابه	۳۱۸	الف) شیوه توصیح یک فرایند	۳۷۴	واژه‌شناسی و واژه‌سازی	۲۱۷	تاریخ پیشاور قدح بلورین شکسته
۳۴۰	نشانه همزه	۳۱۹	ب) توصیح یک اندیشه	۳۷۵	اررش واژه‌شناسی	۲۱۷	سه فرهنگ
۳۴۱	واژه‌ها و ترکیبات مأخوذ از عربی	۳۲۰	ج) تفسیر یک شعر	۳۷۶	روش‌های واژه‌سازی	۲۱۹	اصلاحات نا میر علی
۳۴۴	پیوسه‌بوسی و حداتویسی	۳۲۱	د) نارویسی مثل، کنایه و حکایت	۲۸۰	آشنایی با واژه‌نامه‌های فارسی	۲۲۱	۴ ادبیات داستانی
۳۴۷	واژه‌های چنداملایی	۳۲۳	بوشتار استدلالی	۲۸۱	ندبوسی مهارت گسترش اندیشه	۲۲۱	داستان چیست؟
۳۴۹	اعلام چنداملایی	۳۳۳	نش استدلال در ریذگی	۲۸۲	پیکره فیزیکی ندبوشت	۲۲۲	اسطوره
۳۵۰	راهمای نشانه‌گذاری	۳۲۴	روش‌های استدلال.	۲۸۴	ساحمان ندبوشت	۲۲۳	نُدشس نخستن مردمان
۳۵۳	پیوست‌های راهما	۳۲۴	استدلال از حره نه کل	۲۹۰	گونه‌های ندبوشت	۲۲۵	مرصادالعماد. داستان آفریش آدم
۳۵۳	راهمای شاهکارهای ادبی	۳۲۵	استدلال از کل به حره	۲۹۱	ندبوسب معرفی	۲۳۱	افسانه و رماس
۳۵۳	۱) شاهکارهای شعر پارسی	۳۲۶	استدلال نا نکه بر شاهد و مدرک	۲۹۳	ندبوشت رده‌بندی	۲۳۱	علامه‌حسین بوسی درباره سمک عمار
۳۵۷	۲) شاهکارهای نثر پارسی	۳۳۶	عوامل ضعف بوشتار استدلالی	۲۹۸	ندبوشت علت و معلولی	۲۳۳	فرامرر حداداد. سمک عمار
۳۵۹	۳) قصیده‌های نامدار پارسی	۳۳۸	راهمای نگارش مقاله کوتاه	۳۰۱	ندبوسب معاسه‌ای و مقاله‌ای	۲۳۷	حکایت تمثیلی
۳۶۱	۴) پناه رمان مشهور پارسی	۳۲۸	۱) انتخاب موضوع	۳۰۵	ندبوشت سحجه‌گیری	۲۳۷	بهارسان حامی طاووس و راع
		۳۲۹	۲) جستجوی منابع	۳۰۵	ندبوسب طرح مسئله	۲۳۸	سندباد نامه رویاهی در شهرسان
		۳۳۰	۳) یادداشت‌برداری	۳۰۵	ار ندبوسی به سوی تالیف	۲۴۰	داستان کوتاه
		۳۳۱	۴) طبقه‌بندی یادداشت‌ها	۳۰۹	بوشتار توصیحی	۲۴۰	فرح بعد از شدت. دختر نَاش
		۳۳۱	۵) تنظیم ساختار کلی مقاله	۳۰۹	توصیف و اررش آن	۲۴۵	حلال آل احمد. سه‌تار
				۳۱۰	سه شرط برای یک وصف خوب	۲۴۸	ابراهیم گلستان. ماهی و حبش
				۳۱۰	۱ احساس و عاطفه فوی	۲۴۹	بیژن حدی. گیاهی در قرظیه
				۳۱۰	۲ نگاه دوقی و حره‌نگر		
				۳۱۱	۳ سازمان‌دهی حمله‌ها در توصیف		

۱. ادبیات و دانش‌های ادبی

ادبیات چیست؟

از دو هزار سال پیش برای شساحت سرشت ادبیات تلاش‌های پیوسته و مستمری صورت گرفته است. چپستی و ماهیت ادبیات یکی از پرسش‌های فلسفه و نظریه ادبی بوده است در زبان فارسی دو واژه «ادب»^۱ و «ادبیات» گاه مترادف یکدیگر به کار می‌روند. در برد پیشینیان «ادب» عمدتاً مفهومی اخلاقی داشته، چنان‌که در تعریف آن گفته‌اند. «ادب، شساحتن اموری است که آدمی به وسیله آن خویش را از هر نوع خطایی حفظ کند» بعدها ادب به دانش‌هایی اطلاق می‌شد که آدمیان بدان، خود را از خطای در سخن مصون می‌داشتند این دانش‌ها اقسام مختلفی دارد، از جمله صرف و نحو، معانی و بیان، بدیع، قافیه، خط، قرابت و اشاء و هور هم ادیب به کسی گویند که با اسلوب‌های والای سخن آشنا باشد. واژه «ادبیات» (جمع ادبیه) در زبان فارسی از روزگار مشروطه (۱۲۸۵ ش) رواج یافت.

امروزه اصطلاح ادبیات در زبان فارسی در معانی مختلفی به کار می‌رود. ماصص اشاره به این کاربردها، سعی داریم تعریف روشنی از ادبیات ارائه کنیم.

الف) ادبیات مجموعه اصطلاحات، رفتارها و نوشته‌هایی است که در یک رشته علمی یا حرفه خاص مقبولیت و تداول می‌یابد، مانند ادبیات پزشکی، ادبیات مدیریت، ادبیات اخلاق، ادبیات سیما، ادبیات سیاست در این معنی ادبیات به معنی گفتمان است یعنی کردار، گفتار و زبان ویژه در یک قلمرو علمی یا اجتماعی

ب) همه آثار مکتوب متعلق به یک فرهنگ و تمدن ادبیات آن فرهنگ شمرده می‌شود. این تعریف متون علمی، تاریخی، جغرافیایی، پزشکی و فلسفی گذشته را بر می‌گیرد. بر اساس همین تعریف بسیاری از محققان ادبی ما متون علمی قدیم را در زمره آثار ادبی کهن می‌دانند

ج) ادبیات، نوشته‌ای است ارزنده که ارزش آن به خاطر شکل بیان است و اندیشه‌ها و عواطف را به عالی‌ترین و زیباترین صورت بیان می‌کند این تعریف گرچه درست و دقیق است، اما فقط ادبیات مکتوب را در بر دارد و ادبیات شفاهی، مانند افسانه‌ها، حکایات، مثل‌ها و ترانه‌های زبانه مردم را در بر نمی‌گیرد.

^۱ واژه ادب، عربی است و پس از اسلام بر در شعر عرب به کار می‌رفته است. برخی بر این ناوردند که «ادب» عربی زار واژه depi در زبان پارسی ناستان گرفته‌اند که در سنگ‌سسته‌های دوران هخامنشی به معنی خط و نوشته (دبیره) آمده است. هور به شکل «ادب» در واژه‌های «دبیر» و «دبیرستان» بر جای مانده است. برای آگاهی از ریشه ادب، نک. «عمامه دهخدا» دل ادب: و نیز مقاله پروفیسور کارلو آلفونسو سالویا نام «بارحسب معنی ادب» بر حومه مظفر به‌حسار

در کتاب حاضر، مراد ما از ادبیات همین مفهوم سوم است آنچه درباره ادبیات گفته‌اند نشان‌دهنده آن است که ادبیات از خانواده هنرهاست. برای ارائه تعریف روشن‌تر می‌گوییم ادبیات هنر کلامی است، یا «ادبیات کلامی است ربا، دارای اسلوب والا که خیال‌انگیز و عاطفی بیر هست» در این تعریف، زیبایی، اسلوب، تحیل و عاطفه که از ساره‌های اصلی هنرید حرو عناصر اصلی ادبیات بیر نه شمار می‌روند. سایر این تعریف، مفاهیم سدهای الف و ب از حوره بحث ما خارج‌اند و ادبیات در نظر ما «هنر کلامی» است

ادبیات و ربا

ادبیات یکی از اقسام هنرهای هفتگانه است هر يك از انواع هفتگانه هنر، ماده‌ای خاص حویش دارید رنگ ماده نقاشی، صوت ماده موسیقی، سگ و گچ ماده پیکرسازی است؛ ماده ادبیات بیر ربا است در تعریف ربا گفته‌اند که «ربا نظامی است از شاه‌های اختیاری و قراردادی که برای ارتباط اساسی نه کار می‌رود.» فرق ماده ادبیات با ماده هنرهای دیگر در این است که ماده ادبیات - که ربا است - بیرون از ادبیات دارای نظام و ساختار معین است؛ یعنی ربا دارای منطق، قواعد و شبکه درهم‌پیوسته‌ای است که ماده دیگر هنرها یعنی صدا، رنگ و گچ بیرون از موسیقی و نقاشی فاقد آن هستند؛ نه عبارت دیگر، هیچ شبکه ارتباطی خاصی میان رنگ‌ها و صداها، بیرون از نقاشی و موسیقی نمی‌توان یافت ایحاست که مرر میان ادبیات با ماده آن - که یک نظام مستقل و سازماند است - چندان روشن و قاطع نیست «آنچه ادبیات نام دارد ربا بیر هست، ادبیات همان ربا است به‌اصافه یا مه‌ای چیری دیگر» سایرین

ادبیات، کاربرد ویژه‌ای از ربا است برای هدفی خاص نه این

ز روی سزه صا مشت شبنمی برداشت

سحس توحه کنید.

برای ربت گردون نه آسمان افشاند

در بیت عناصر ربایی (آوا، لحن، واژه و ساحت) وجود دارد؛ اما

هدف از این سحس، اطلاع‌رسانی نیست؛ بلکه قصد گوید، آفریش ربایی است اگر از گزاره شعری بالا، قصد اطلاع‌رسانی داشته باشیم سحی دروع گفته‌ایم؛ ریرا مُحال است که ناد صبا یک مُشت ششم بردارد و برای ربت گردون بر آسمان بیفشاند؛ اما این سحس دروعین، ریرا و حوشاید است.

تفاوت اصلی ربا با سحس ادبی را در نقش (کارکرد) آن دو می‌یابیم نقش اصلی و بیادی ربا، اطلاع‌رسانی و ارتباط است؛ اما نقش اساسی ادبیات هنری و ربایی آفرینی برای روشن‌تر شدن

تفاوت این دو نقش مت «الف» و «ب» را درباره یک موضوع با هم مقایسه کنید. هر دو سحس «الف» و «ب» درباره یک پریده می‌گویند.

سحس «الف» نه قصد اطلاع‌رسانی بیان شده است و از چند گزاره حبری تشکیل شده، از این رو ممکن است حر، صادق یا کادب باشد؛ اما سحس «ب»، تصویری هنری است از عبور پرندگان با نگرشی عاطفی نه عربت آن‌ها، که احتمال صدق و کدب در آن نمی‌رود.

هر دو سحس «الف» و «ب» از پریده می‌گویند. سحس سحست نه قصد اطلاع‌رسانی بیان شده است و از چند گزاره حبری تشکیل شده، از این رو ممکن است صادق یا کادب باشد؛ اما دومین نوشته، تصویری هنری است از عبور پرندگان با نگرشی عاطفی نه عربت آن‌ها، که نمی‌توان گفت صادق است یا کادب.

ب

«... که نقطه‌چین عبور پرندگان آنحا

در آن فرار فرار

نشان حذف شب است و

نمونه ایحاز

پرندگان غریب

نه روی

سربی

سرد

سپیده

در پروار.

شمعی کدکنی

در منطق ربا، هر واژه معای قراردادی و قاموسی روشی دارد که در قاموس‌ها و فرهنگ‌ها آن معاراً به‌دقت بیان کرده‌اند. جمله‌ها بیر، از لحاظ ساختمان دارای قاعده و منطق هستند، یعنی اصول و قواعدی دارند و از لحاظ معنی بیر از منطق خاصی پیروی می‌کنند. بر اساس منطق معنایی ربا، هر فعلی از فاعلی سر می‌رند. مثلاً اهل ربا همه می‌دانند که «سگ گریه نمی‌کند» و یا «ناد ادا نمی‌گویند.» اگر کسی چنین ادعایی کند متهم به دروع‌گویی خواهد شد. اما در سحس ادبی، شحص به‌راحتی و به مدد تحیل می‌تواند منطق معنایی ربا را در هم برید؛ یعنی هم کلمه را از معنای قاموسی (قراردادی) آن خارج کند و هم منطق معنایی جمله را مُحتل کند. نا این شگرد، ربا از شکل یک نظام ارتباطی قراردادی (رسانه) نه حاب یک پدیده حمالی (هنر) می‌گراید و ساحت حقیقی ربا نه ساحت محاری بدل می‌شود. بگرید که حافظ چگونه واژه «پسته» را از معنای قراردادی اش نه قلمرو و محار و ادبیات می‌کشاند. نه‌حای آنکه بگوید «دهان توار قند شیرین‌تر است» می‌گویند.

«ای پسته تو حله رده بر حلیث قد»

پسته در کاربرد ارتباطی ربا «درختی است از تیره سماقی‌ها که دسته محصولی را تشکیل می‌دهد. میوه‌اش دانه‌ای است دارای پوست سحت، معر آن سر رنگ و لدید و مقوی و روع دار است.» (فرهنگ معین) شاعر پسته را، نه

پرستو: اکثر صبحها و عصرها برای

تعذیه از لانه خارج می‌شود... جرو

پرندگان مهاجر است که به صورت

دسته جمعی کوچ می‌کند و عمدتاً در

صحگاه پروار می‌کنند.